

## ضوابط حقوقی - جرم‌شناختی

# پیشگیری وضعی از جرم\*

- علی صفاری<sup>۱</sup>
- راضیه صابری<sup>۲</sup>

### چکیده

آنچه می‌تواند مجوزی برای اعمال پیشگیری وضعی توسط شهروندان عادی در برابر متجاوزان احتمالی باشد، اعمال حق، نظم اجتماعی یا ترکیبی از این دو است. از سوی دیگر، همین برقراری نظم اجتماعی و اعمال حق متقابل ایجاب می‌کند که اقدامات پیشگیرانه شهروندان در مقابل تعرضات ناحق، محدود به ضوابط خاصی باشد. در غیر این صورت، دفاع از حق یا اقدامات پیشگیرانه در برابر بزهکاران احتمالی، مستمسکی برای وقوع تعرضات ناحق خواهد شد. با توجه به سکوت قانون‌گذار در باب پیشگیری وضعی و ضوابط خاص آن، بحث درباره این قضیه، اختلافی است. برخی معتقد به حاکمیت شرایط دفاع مشروع بر پیشگیری وضعی هستند، ولی وجود دیدگاه مخالف مبنی بر بلاشرط بودن پیشگیری وضعی و ضرورت عرفی آن اقتضا می‌نماید تا در این مورد تحقیق بیشتری شود. در این مقاله سعی شده است تا ضوابط

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۴.

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی (alisaffary2020@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (razihsaberi123@gmail.com).

پیشگیری وضعی شامل ضوابط تجاوز و ضوابط تدابیر پیشگیرانه وضعی، بر اساس نظرسنجی سه گروه شامل متخصصان، زندانیان و مردم عادی تجزیه و تحلیل گردد. نتیجه اینکه وجود ضوابطی برای محدود کردن قلمرو پیشگیری وضعی ضروری است و پاسخ‌های هر سه گروه تأییدی بر لزوم وجود این ضوابط است. **واژگان کلیدی:** پیشگیری وضعی، تجاوز غیر قانونی، ضرورت عرفی پیشگیری، ضرورت اطلاع‌رسانی.

#### مقدمه

با اینکه یکی از مباحث جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی، پیشگیری وضعی است، ضوابط اعمال تدابیر مربوط به آن، به عنوان یک نهاد قانونی<sup>۱</sup> نوپا، کمتر نظر مقنن و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. به همین دلیل، تمامی ابعاد و ضوابط آن شناخته‌شده نیست و همین امر باعث می‌گردد تا برخی مصادیق پیشگیری وضعی با دفاع مشروع تطابق داده شده و حق اقدام‌کننده تضییع گردد (صفاری و صابری، تابستان ۱۳۹۲). در حالی که دفاع مشروع نهادی است با ضوابط و تعریف خاص خود و نباید با پیشگیری وضعی به عنوان نهادی جرم‌شناختی که هنوز تحت این عنوان در حقوق ضابطه‌مند و تعریف نشده، خلط گردد.

از جمله مصادیق مشتبه با دفاع مشروع، اقدامات پیشگیرنده یا دفاعی‌کشنده مثل تعبیه کابل برق برای حفاظت از املاک توسط مالکان است. به نظر می‌رسد مثال مذکور با توجه به فلسفه و شگردهایی که برای پیشگیری وضعی لحاظ شده، با قواعد این نهاد جرم‌شناختی تطابق داشته باشد. با وجود این، به طوری که در ادامه خواهد آمد، برخی نویسندگان حقوقی در حقوق ایران، انگلستان و فرانسه به لحاظ عدم شناخت کافی نسبت به نهاد پیشگیری وضعی، از این مصداق در ذیل مباحث اطلاق مالکیت و در اغلب موارد در ذیل مباحث دفاع مشروع یاد نموده و آن را با دفاع مشروع سنجیده‌اند (باقری، ۱۳۴۳: ۶۹؛ عطار، ۱۳۷۵: ۱۰۸؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۶۴: ۴۴؛ باهری و داور، ۱۳۸۰: ۳۴۰؛ محسنی، ۱۳۷۶: ۲۴۷؛ صانعی، ۱۳۸۲: ۲۶۶؛ گلدوزیان، ۱۳۶۹: ش ۱۵۰-۱۵۱/۱۹۳)، در حالی که

۱. ردپای روش‌های پیشگیری وضعی در برخی از مواد قانونی مشهود است: برای مثال، در قانون جدید «مبارزه با قاچاق کالا و ارز» مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳، در ماده ۵، بند الف ماده ۶ و بند پ ماده ۱۰ آن، به برخی از گونه‌های پیشگیری وضعی تصریح شده است. همچنین در ماده ۲۲ «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی» و آیین‌نامه آن و بند ۴ ماده ۲ «آیین‌نامه پیشگیری و مقابله نظام‌مند و پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه مجریه» نیز برخی گونه‌های پیشگیری وضعی مشهود است.

به نظر می‌رسد واقعیات اجتماعی بر اساس نظرسنجی غیر از این را نشان می‌دهد. خلط مصادیق پیشگیری وضعی با اصول قاعده اطلاق مالکیت و یا شرایط دفاع مشروع، منجر به بی‌عدالتی در سیستم عدالت کیفری می‌گردد. این بی‌عدالتی در نوع جنایت مورد حکم توسط دادگاه‌ها و مجازات آن نمود پیدا می‌کند؛ برای مثال، در یک پرونده که با تعبیه کابل برق در حفاظت از املاک، خساراتی به شخص سارق وارد گردیده، معتقدان به اطلاق مالکیت، بر اساس قاعده مشهور «الناس مسلطون علی أموالهم» به برائت مالک نظر داده‌اند و رأی صادره در دیوان کشور نیز از همین مبنا پیروی کرده است (باقری، ۱۳۴۳: ۶۹). اما رویه قضایی غالب و اکثر حقوق دانان، اعمال چنین شیوه پیشگیری یا دفاع از مال را با مبانی و شرایط دفاع مشروع مطابق دانسته و به همین دلیل - یعنی عدم رعایت شرط تناسب در تعبیه کابل برق به عنوان وسیله حفاظتی - به محکومیت مالک به جنایت عمدی اصرار می‌ورزند.

در حقیقت، برخی حقوق دانان<sup>۱</sup> با توجه به نتایج غیر منطقی پذیرش مجاز بودن کاربرد تله‌های انفجاری و ابزارهای آسیب‌زای شبیه آن برای پیشگیری از وقوع جرم که به استناد اطلاق مالکیت (صفاری و صابری، تابستان ۱۳۹۲) حاصل می‌شود، قائل به محدودیت شرایط اعمال این گونه ابزارهای دفاعی یا پیشگیرانه هستند. به همین دلیل با توجه به مشابهت‌های موجود بین پیشگیری وضعی و دفاع مشروع (همان) و نظر به اینکه برخی شگردها و مبانی این دو مشترک هستند، سعی شده تا با بررسی محدودیت‌ها و شرایط دفاع مشروع، از آن برای محدود کردن قلمرو اعمال ابزارهای پیشگیری استفاده شود. برخی نویسندگان مخالفت خود را با اعمال ابزارهای پیشگیری آسیب‌زا و مسئول دانستن مالک، بر این مبنا قرار داده‌اند که خطر قریب‌الوقوعی محقق نشده است (باقری، ۱۳۴۳: ۷۰؛ صانعی، ۱۳۸۲: ۲۳۱). به عبارت دیگر، اقدامات پیشگیرانه بر خلاف دفاع مشروع، قبل از هر گونه تحقق یا حداقل وجود یک حمله قریب‌الوقوع انجام شده است. این صاحب‌نظران عمل مالک را در این مورد نه فقط متناسب نمی‌دانند بلکه به هیچ عنوان آن را دفاع نیز محسوب نمی‌کنند.

۱. مطالعه این مصداق در زیرمجموعه دفاع مشروع، در کتب جزای عمومی دکتر محسنی، باقری، صانعی و اشخاص دیگر که در ضمن متن به آن‌ها اشاره گردیده، مشاهده می‌شود.

استدلال دسته دیگر از حقوق دانان به تناسب دفاع با حمله برمی گردد (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۵۴؛ محسنی، ۱۳۷۶: ۲۴۷؛ ۱۸: ۲۴۷؛ Barkerand & Padfield, 2010); یعنی به نظر آن‌ها در کاربرد وسایل پیشگیری آسیب‌زا تناسب حمله و دفاع رعایت نشده و به تبع آن تناسب بین حمله و پیشگیری یا همان دفاع در هم می‌ریزد. حکم شماره ۱۴۳۹ مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۹ صادره از دیوان عالی کشور نیز مقرر داشته است:

اعمالی را که برای جلوگیری از سرقت در باغ‌ها و استخرهایی که ماهی در آن پرورش داده می‌شود مانند تعبیه کابل برق یا قرار دادن مواد منفجره برای هلاکت سارق یا متجاوز، نمی‌توان دفاع مشروع تلقی نمود؛ زیرا علاوه بر عدم وجود ضرورت، عمل ارتكابی را نمی‌توان متناسب با تعرض دانست (حجتی و باری، ۱۳۸۴: ۳۳۴).

نظر دیگر آن است که اعمال ابزارهای پیشگیری آسیب‌زا ممکن است ضرورت نداشته باشد. به عبارت دیگر، اگر انسان مستقیماً عهده‌دار دفاع از خود باشد، ممکن است بدون استفاده از زور و خشونت بتواند با وسایل دیگری نیز خطر را دفع کند. ابزارهای دفاعی ممکن است طوری نصب شده باشند که با برخورد انسان اعم از عامد و بزه‌کار یا غیر آن و یا حتی هر موجود دیگر صدمات سنگینی را وارد کنند در حالی که ضرورتی وجود ندارد (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۴۷؛ واعظی، ۱۳۷۹: ۱۵۴؛ Perkins, 1972: 695-698).

آخرین نظر در مغایرت ابزارهای آسیب‌زای پیشگیری با شرایط دفاع مشروع، بر شرط غیر قانونی بودن خطر در دفاع استوار است. ابزارهای پیشگیرانه به گونه‌ای نیست که فقط در برابر خطر غیر قانونی عمل کنند و چون توان تشخیص ندارند در برابر هر عملی به طور خودکار واکنش نشان می‌دهند، حتی در مورد کسی که به اشتباه یا برای اجرای یک حکم قانونی یا به هر علت مشروع دیگری وارد حریم دیگری می‌شود، در حالی که او به اموال مالک تجاوزی نکرده و خطری برای آن به شمار نمی‌رود تا دفاع مشروع عنوان پیدا کند (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۵۴؛ صانعی، ۱۳۸۲: ۲۶۶؛ Hall, 1972: 236).

علی‌رغم ارزشمندی دیدگاه‌های فوق برای رهایی از برخی نتایج ناعادلانه مطلق دانستن اعمال ابزارهای پیشگیرانه به استناد اطلاق مالکیت، به نظر می‌رسد پذیرش آن‌ها نیز اساس یکی از مهم‌ترین و جدیدترین انواع پیشگیری‌ها، یعنی پیشگیری وضعی را به شدت زیر سؤال می‌برد و مردم را از منافع آن بی‌بهره می‌سازد؛ زیرا اگر دقت شود یکی

از شرایطی که برای دفاع مشروع وجود دارد و حقوق دانان فوق نیز برای بیان مغایرت اعمال ابزارهای پیشگیرانه با دفاع مشروع به آن استناد می‌کنند، وجود خطر فعلی یا قریب‌الوقوع است. در پیشگیری وضعی تمامی اقدامات برای بالا بردن حفاظت و تقویت آماج قبل از هر گونه خطر قریب‌الوقوعی صورت می‌گیرد. حال اگر قرار باشد ضوابط اعمال ابزارهای پیشگیری وضعی، همانند دفاع مشروع باشد، اساساً پیشگیری وضعی که به کارگیری اقداماتی قبل از حمله است، نامشروع می‌شود. این در حالی است که به کارگیری شگردهای پیشگیری وضعی در جهت بالا بردن ایمنی آماج، بر اساس عقل و عرف و با سنجش انجام‌شده در این پژوهش کاملاً موجه است.

در حقیقت، اقدامات پیشگیری وضعی، اشکال مختلفی دارد. گاهی این اعمال به شکل فعال و به صورت ابزارهای خطرناک همچون تعبیه کابل برق صورت می‌گیرد (صدیق سروسناتی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ش ۱/۱۵۷)، گاهی نیز اعمالی به کار گرفته می‌شود که عقل و عدالت با مقید نمودن آن سازگاری بیشتری دارد. در مقابل، برخی مصادیق آن به شکل منفعل است؛ همانند به کار بردن سیم‌های خاردار یا نرده‌های تیز در اطراف دیوار منزل. چه بسا این شیوه‌های منفعل نیز به اشخاص متجاوز خساراتی را وارد نمایند ولی عقل و عدالت این گونه آسیب‌ها را ذیل دفاع قرار می‌دهد.

هرچند تلاش قائلان به هر یک از دو دیدگاه فوق یعنی تشبیه پیشگیری وضعی با قاعده اطلاق مالکیت و دفاع مشروع در راستای تحقق همه‌جانبه عدالت در سیستم کیفری صورت پذیرفته، به نظر می‌رسد با اعمال هیچ یک از این دو، عدالت در سیستم کیفری به نحو مطلوب اجرا نمی‌گردد. بی‌عدالتی موجود، ضرورت هدایت این دو دیدگاه به مسیری معتدل‌تر و متوازن‌تر، ضمن عنایت به ارزش‌ها و نقاط مثبت و الهام‌بخش آن‌ها را آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد با مقایسه این دو با نهاد پیشگیری وضعی و ضوابط آن می‌توان به سازوکاری منطقی و عادلانه‌تر در حل پرونده‌هایی مانند مثال فوق دست یافت.

در این جستار بر آنیم تا با بهره‌گیری از اصول فقهی و حقوق بشری، ضمن توجه به اصول و فلسفه پیشگیری وضعی و سپس شناسایی ضوابط خاص آن در نگاه مردم عادی، متخصصان و برخی بزهکاران به این هدف دست یابیم.

از این رو، با بررسی منابع کتابخانه‌ای، مبانی نظری بحث تبیین می‌شود و سپس با

روش توصیفی و پیمایشی ارزیابی می‌گردد. جامعه آماری که در تابستان ۱۳۹۲، در این باره بررسی شد، مردان و زنان منطقه‌ای تصادفی هستند که در شهرستان تهران زندگی می‌کنند. این تحقیق به دنبال آن است تا میزان تمایل جامعه آماری به ضوابط پیش‌بینی شده برای پیشگیری وضعی را ارزیابی کند. به همین دلیل برای احراز این نتیجه تعدادی از مردان و زنان شهرستان تهران برای نمونه انتخاب شده‌اند. گروه نمونه شامل ۱۳۲ نفر بوده است. بخشی از جامعه آماری را نیز محکومان به حبس در زندان مرکزی مشهد تشکیل می‌دهند؛ زیرا هماهنگی با مسئولان برای پخش پرسش‌نامه در یکی از زندان‌های تهران میسر نگردید. به طور کلی، همان طور که در جدول شماره یک آمده از مجموع ۱۳۲ پرسش‌نامه، ۳۱ عدد توسط کارشناسان، متشکل از اساتید، قضات و وکلای دادگستری، ۳۱ عدد توسط محکومان به جرم سرقت و ۷۰ مورد توسط افراد عادی که خود در مواردی بزه‌دیده بودند، تکمیل گردیده است. ابزار پژوهش پرسش‌نامه‌ای است که بر اساس مقیاس لیکرت<sup>۱</sup> ساخته شده است. در حقیقت، در بررسی‌های میدانی، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، اقدام به تهیه و تکمیل پرسش‌نامه در بین جامعه آماری مورد نظر همراه با مصاحبه و مشاهده شد که مهم‌ترین بخش مطالعات میدانی است. پرسش‌نامه ۲۲ سؤال دارد که شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس رتبه‌ای (به شدت موافقم؛ موافقم؛ مخالفم؛ به شدت مخالفم؛ تصمیم نگرفته‌ام؛ احتمالاً موافقم؛ تصمیم نگرفته‌ام؛ احتمالاً مخالفم) می‌باشد. اعتبار پرسش‌نامه‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ،<sup>۲</sup> ۰/۸۵ به دست آمد. بر اساس فرمول

۱. مقیاس لیکرت یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری در تحقیقاتی است که بر اساس پرسش‌نامه انجام می‌شود و توسط رنسیس لیکرت (۱۹۰۳-۱۹۸۱) ابداع شده است. در این مقیاس یا طیف، محقق با توجه به موضوع تحقیق خود، تعدادی گویه را در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد تا بر اساس گویه‌ها و پاسخ‌های چندگانه، میزان گرایش خود را مشخص کنند (سلیمی، ۱۳۸۷: ۴۱-۶۰).
۲. ضریب آلفای کرونباخ توسط کرونباخ ابداع شده و یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری اعتمادپذیری و یا پایایی پرسش‌نامه‌هاست. منظور از اعتبار یا پایایی پرسش‌نامه این است که اگر صفت‌های مورد سنجش با همان وسیله و تحت شرایط مشابه و در زمان‌های مختلف مجدداً اندازه‌گیری شوند، نتایج تقریباً یکسان حاصل شود. این آزمون برای ارزیابی قابلیت اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه‌ای که به صورت طیف لیکرت طراحی شده و جواب‌های آن چندگزینه‌ای است، به کار می‌رود.

کوکران<sup>۱</sup> از میان جامعه آماری، ۱۳۲ نفر به عنوان نمونه به دست آمد. پس از نهایی شدن پرسش نامه و انتخاب جامعه نمونه و جلب رضایت افراد نمونه، توضیحاتی به افراد برای اطمینان بیشتر و عدم جبهه گیری در پژوهش داده شد و پرسش نامه ها بدون نوشتن نام افراد تکمیل گردید و در نهایت، داده ها و اطلاعات به دست آمده، جهت آزمون فرضیات از طریق نرم افزار Excel به دست آمد.

جدول ۱: ویژگی های جمعیتی پاسخ گویان

بزهکار						افراد عادی						کارشناس								
علم بزه دیدگی	بزه دیدگی	بهر	میان سال	جوان	مرد	زن	علم بزه دیدگی	بزه دیدگی	بهر	میان سال	جوان	مرد	زن	علم بزه دیدگی	بزه دیدگی	بهر	میان سال	جوان	مرد	زن
۰	۰	۰	۱	۲۴	۳۱	۰	۳۷	۳۳	۰	۲	۶۷	۱۳	۵۷	۱۱	۱۹	۲	۱۱	۱۳	۲۴	۷
=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	=
%۰	%۰	%۰	%۳	%۷۸	%۱۰۰	%۰	%۵۳	%۴۷	%۰	%۳	%۹۶	%۱۷	%۸۲	%۳۶	%۶۲	%۷	%۳۶	%۴۲	%۷۸	%۲۲

هر یک از ستون های جدول شماره ۱ تعداد پاسخ دهندگان از حیث ویژگی های کلی همچون جنسیت، سن و تجربه بزه دیدگی را نشان می دهد. تقسیم بندی سنی به جوان، میان سال و پیر بر اساس رده های سنی ۲۰-۴۰ سال، ۴۰-۶۰ و ۶۰ سال به بالا صورت گرفته است.

پرسش نامه های مربوط به افراد عادی به منظور دستیابی به نظرات طیف گسترده تری از مردم، توسط دانشجویان که از نقاط مختلف کشور در تهران تحصیل می کنند، تکمیل شده است. در مورد کارشناسان به سبب ضیق وقت آن ها، تکمیل بیش از این تعداد پرسش نامه امکان پذیر نبود. در مورد محکومان نیز با وجود رغبت برای تکمیل تعداد بیشتری از این پرسش نامه ها توسط آنان، به سبب وجود مقررات خاص ملاقات با زندانیان و حتی تکمیل پرسش نامه توسط آنان، تکمیل پرسش نامه های بیشتری میسر

۱. فرمول کوکران یکی از پرکاربردترین روش ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است که بدین شرح است:

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2 \left( 1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)}$$

(ملک جعفریان و کرمی، ۱۳۹۲، قابل دستیابی در وبگاه <<http://isn.moe.gov.ir>>).

نمود و حتی تکمیل همین تعداد، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو گردید. همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد یکی از ستون‌های اختصاص داده‌شده به آن، مربوط به ویژگی بزه‌دیدگی یا عدم بزه‌دیدگی است. لذا در ادامه، جدول شماره ۲ نشان می‌دهد از میان پاسخ‌دهندگان که تجربه بزه‌دیدگی داشته‌اند چه تعداد با دستگیری یا مجازات بزهکار یا عدم آن، واکنش مثبت یا منفی پلیس و اتخاذ یا عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه روبه‌رو بوده‌اند.

جدول ۲: ویژگی‌های اجتماعی بزهکاران

افراد عادی				کارشناس			
عدم اتخاذ تدابیر	اتخاذ تدابیر پیشگیرانه	واکنش منفی پلیس	واکنش مثبت پلیس	عدم اتخاذ تدابیر	اتخاذ تدابیر پیشگیرانه	واکنش منفی پلیس	واکنش مثبت پلیس
۲۳	۸	۲۱	۵	۱۰	۹	۱۴	۳
=	=	=	=	=	=	=	=
%۷۰	%۲۴	%۶۴	%۱۵	%۵۳	%۴۷	%۷۴	%۱۶
عدم مجازات	مجازات بزهکار	عدم دستگیری	دستگیری بزهکار	عدم مجازات	مجازات بزهکار	عدم دستگیری	دستگیری بزهکار
۲۷	۴	۲۷	۶	۱۵	۱	۱۲	۷
=	=	=	=	=	=	=	=
%۸۲	%۱۲	%۸۲	%۱۸	%۷۹	%۱۱	%۶۳	%۳۷

باید دقت نمود که با توجه به درصد بزه‌دیدگی صفر بزهکاران بر اساس جدول شماره ۱، در جدول شماره ۲، ستون مخصوص بزهکاران تعریف نشده است. لازم به یادآوری است که با توجه به وجود دیدگاه‌های متفاوت قضات درباره موضوع مورد نظر، سعی شد به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و شیوه رایج در دادگاه‌ها که در مورد سکوت قانون و اختلاف نظر، از برخی مراجع استفتا می‌گردد، به همین طریق عمل شود. در این مقاله تلاش گردیده است تا ضمن تحلیل دقیق نهاد پیشگیری وضعی و با لحاظ برخی اصول فقهی و حقوق بشری و به ویژه فلسفه پیشگیری وضعی، ضوابط خاص آن که این نهاد را از مباحث دفاع مشروع کاملاً متمایز می‌سازد، مشخص و بررسی شود. لذا مطالب، در دو قسمت تحت عنوان ضوابط تجاوز در پیشگیری وضعی و ضوابط تدابیر پیشگیرنده وضعی ارائه می‌گردد. هر قسمت بیان‌کننده ضوابط پیشگیری وضعی و بررسی دیدگاه‌های موافق و مخالف آن‌ها بر اساس تحقیقات



همان‌گونه که در نمودار مزبور مشاهده می‌شود، به نظر می‌رسد که لازم است به دنبال ارائه راهکارهای خاص و جدای از شرایط دفاع مشروع بود. فرایند پیشگیری وضعی همانند دفاع مشروع، شامل دو اقدام متقابل است: کنشی از سوی مهاجم و واکنشی از سوی مدافع. از این رو، دو رکن مهم برای پیشگیری وضعی قابل تصور است: یکی حمله و تجاوز و دیگری دفاع و دفع حمله یا پیشگیری از آن. این امر نیز در نمودار شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.

شاید در ابتدا این ابهام به ذهن آید که در پیشگیری وضعی تجاوز معنایی ندارد اما چنین سخنی صحیح نیست؛ زیرا در هر حال در پیشگیری وضعی نیز مانند دفاع، اقدامات پیشگیرانه در برابر یک سری کنش‌های فرضی و محتمل‌الوقوع اتخاذ می‌گردد و گرنه هیچ انسان عاقلی حاضر نیست بیهوده قسمتی از اموال خود را هدر دهد تا از جرم پیشگیری نماید. پس اگر در پیشگیری وضعی کسی اقدامات لازم را با صرف هزینه تأمین می‌نماید، برای هدفی است و آن هدف حفظ امنیت در برابر تجاوز احتمالی بزهکاران بالقوه است. لذا اعتقاد بر آن است که با استفاده از مبانی قانونی شرایط تجاوز در دفاع مشروع می‌توان ثابت نمود که همین ضوابط در پیشگیری وضعی نیز ولو با کمی تفاوت لازم است، در غیر این صورت مشروعیت پیشگیری توجیه نمی‌شود. به عبارت دیگر، دفاع در برابر خطر قریب‌الوقوع است و پیشگیری وضعی در برابر یک تجاوز محتمل‌الوقوع انجام می‌شود. بنابراین، مفهوم تجاوز را هرچند در شکل محتمل‌الوقوع آن می‌توان در این نوع پیشگیری جاری دانست.

مطابق نمودار شماره ۱، اگرچه شرایط دفاع (یا پیشگیری) و تجاوز در دو نهاد دفاع مشروع و پیشگیری وضعی در ظاهر یکسان است، تفاوت‌هایی نیز در برخی موارد مشاهده می‌شود که به همراه ضرورت اطلاع‌رسانی به عنوان ویژگی خاص اقدامات پیشگیرانه آسیب‌زا (بر خلاف دفاع مشروع) در دو قسمت بررسی می‌شود.

### ۱. از محتمل‌الوقوع بودن تا قریب‌الوقوع بودن

یکی از شرایط مهم تحقق دفاع مشروع، فعلی یا قریب‌الوقوع بودن خطر است. این شرط در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. منظور از تجاوز فعلی

یا خطر قریب‌الوقوع این است که قصد تجاوز به جان، مال، عرض، ناموس و آزادی خود یا دیگری به مرحله فعلیت و واقعیت درآمده باشد و این یقین مستند به دلایل معقول باشد. بنابراین، در تهدید لفظی و خوف از تعرض در آینده، موردی برای دفاع نخواهد بود (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۹۰). در حقوق انگلستان نیز قریب‌الوقوع بودن یک تهدید بی‌واسطه و مستقیم به عنوان یکی از شرایط دفاع مشروع وجود دارد (Elliott & Quinn, 2000: 264).

در مقابل، اقدامات پیشگیری وضعی قبل از فعلیت یافتن خطر شکل می‌گیرد تا از شکل‌گیری اندیشه مجرمانه در بزهکاران احتمالی جلوگیری کند و در صورت تحقق این اندیشه از فعلیت یافتن آن پیشگیری نماید. برای رسیدن به این مهم، تمامی اقدامات احتیاطی نسبت به خطرهای احتمالی آینده صورت می‌گیرد تا از این طریق بر تصمیم‌گیری بزهکار احتمالی که غالباً بر اساس نظریه انتخاب عقلانی و سنجش سود و مضار خود اقدام می‌نماید، تأثیر بگذارد و یا از فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه جلوگیری کند یا حتی آن را بسیار مشکل و پرخطر سازد. با وجود تفاوت فاحش بین قریب‌الوقوع بودن خطر به عنوان یکی از شرایط دفاع مشروع و وقوع جرم در بحث پیشگیری، به نظر می‌رسد احتمال وقوع جرم علیه افراد و اموال آن‌ها - با توجه به آمار رو به رشد جرایم و بزه‌دیدگی‌ها - امری است که ضرورت اجتناب‌ناپذیر اقدامات پیشگیرنده را اگر نه بالاتر از دفاع بلکه به اندازه آن اقتضا می‌کند (سیدزاده‌ثانی، ۱۳۸۷: ۳۵۵-۳۸۵؛ صفاری، ۱۳۸۳: ۴۰-۲۸۹-۳۲۴). در حقیقت، همان‌گونه که اولریش بک در بیان خطوط فکری جامعه ریسک جهانی اشاره نموده، ریسک یک فاجعه ناگهانی همانند سیل یا زلزله نیست، بلکه پیش‌بینی فاجعه آینده در زمان حاضر است. ریسک در عین غیر موجود بودن، موجود است پس می‌تواند به عنوان موجود در همه جا فرض شود و بنابراین سیاست‌هایی از ترس و پیشگیری به ویژه پیشگیری وضعی را بنا کند. در جامعه ریسک جهانی اولریش بک، تهدیدی که امروز وجود ندارد به طور واقعی موجود است (Beck, 2009: 3) و این همان قریب‌الوقوع بودن پیشگیری وضعی به جای محتمل‌الوقوع بودن آن است. به عبارت دیگر، با توجه به این آمارها، اگر پذیرفته نشود که وقوع جرم و بزه‌دیدگی قریب است اما عدم توجه به پیشگیری از آن نیز غریب به نظر می‌رسد.

تحقیقات از بزه‌دیدگان در خیلی از کشورها اثبات‌کننده این امر است؛ مثلاً وقتی در

یک محله، میزان جرایم افزایش یابد و پلیس توانایی لازم برای برخورد قاطع با بزه‌کاران را نداشته باشد یا اینکه این جرم را یک موضوع خرد بداند و با آن مقابله کافی ننماید این امر منجر به احساس ترس از جرم در میان ساکنان آن محله می‌شود. وجود این ترس حتی برای افرادی که خود بزه‌دیده این گونه جرایم نیز نبوده ولی در چنین محله‌ای ساکن‌اند اجتناب‌ناپذیر است. افزایش ترس از جرم باعث افزایش احساس عدم امنیت در محله می‌شود و به دنبال احساس عدم امنیت، اقدامات دفاعی افراد در قالب دفاع مشروع در هنگام رویارویی با خطر و یا اقدامات احتیاطی شهروندان برای حفظ امنیت - که حق طبیعی برای بشر است - به مراتب بیشتر می‌گردد (کوسون، ۱۳۸۵: ۲۲۱-۲۸۹). امروز، اقدامات احتیاطی در قالب اشکال مختلف پیشگیری، به ویژه پیشگیری وضعی نمود پیدا می‌کند (صدیق سروستانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ش ۱/۱۶۹). بنابراین، احساس ترس از جرم به سبب آمار فزاینده بزه‌کاری در جامعه و واقعیت‌هایی همچون عدم تأثیر اقدامات کیفری و پلیسی علیه بزه‌کاران، گویای این حقیقت است که در پیشگیری وضعی نیز وقوع جرم به نوعی قریب‌الوقوع است، اگرچه مفهوم قریب‌الوقوع بودن در پیشگیری وضعی حیطه گسترده‌تری را به خود اختصاص می‌دهد، بر خلاف مفهوم آن در نهاد دفاع مشروع که معنای بسیار تنگی دارد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ش ۵/۱۶۳ و ۱۶۵).

## ۲. غیر قانونی بودن

در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به غیر قانونی بودن خطر به عنوان یکی از شرایط دفاع مشروع اشاره شده است. حقوق‌دانان نیز غیر قانونی بودن را به عنوان یکی از اوصاف خطر می‌پذیرند. دفاع تنها در صورتی مشروع تلقی می‌گردد که در مقابل تجاوزی غیر قانونی صورت گیرد (صانعی، ۱۳۸۲: ۲۵۸)؛ زیرا برخی خطرها قانونی و مشروع هستند، مثل تأدیب فرزند توسط پدر یا انجام عمل جراحی توسط پزشک مجاز برای معالجه فرد و مانند این‌ها (عطاری، ۱۳۷۵: ۴۴). در اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی نیز ضابطه غیر قانونی بودن تجاوز باید رعایت گردد، اعم از اینکه فعل متجاوز جرم، عمدی یا حتی غیر عمدی و یا غیر جرم باشد.

همان گونه که اشاره شد تجاوز یا تعرض به دو دسته عمدی و غیر عمدی تقسیم

می‌شود. در مورد دفاع مشروع یکی از شرایط تعرض، عمدی بودن آن است؛ زیرا تعدیات غیر عمدی که متکی به قصد مجرمانه فاعل آن نیست بلکه ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی مرتکب جرم است، دفاع در برابر این تعدیات غیر عمدی مطلقاً میسر نیست. به علاوه بعد از وقوع صدمات غیر عمدی نیز اصولاً مجالی برای دفاع مشروع باقی نمی‌ماند (ولیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). به عقیده برخی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان، روش‌های پیشگیری وضعی را نیز باید ناظر به حالت عمدی دانست. به نظر اینان آنچه در حالت غیر عمدی محقق می‌گردد، پیشگیری فنی تلقی می‌شود. بنابراین، نصب پل‌های هوایی برای جلوگیری از تصادفات رانندگی پیشگیری وضعی محسوب نمی‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳-۸۴: ۵۷؛ بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ش ۱۵۲/۷۵-۱۵۳). هرچند در این دو مفهوم یک ویژگی مشترک یعنی مصون و مقاوم‌سازی آماج جرم در برابر بزهکاران مشهود است. در پیشگیری وضعی، بزهکار محاسبه‌گر فرض می‌شود و سعی بر این است تا محاسبه‌وی به نفع عدم ارتکاب جرم تغییر یابد. بر این اساس، طرح پیشگیری وضعی در جرایم غیر عمدی بی‌مورد است. آنچه در جرایم غیر عمدی مطرح می‌شود، مصداقی از پیشگیری فنی است. اما این نظر قابل‌خداشه است؛ زیرا با توجه به تعریف و مفهوم پیشگیری وضعی و اطلاق شگردهای بیست و پنج‌گانه آن نسبت به عمدی یا غیر عمدی بودن تجاوز لابلشرط است. به عبارت دیگر، در پیشگیری وضعی انسان کمتر مداخله دارد و بیشتر شیوه‌ها هستند که در برابر متجاوز نقش بازدارندگی ایفا می‌کنند و این شیوه‌ها قدرت تشخیص و تمیز عمدی از غیر عمدی را ندارند.

به عبارت دیگر، می‌توان چنین گفت که پیشگیری وضعی لزوماً به جرایم عمدی محدود نمی‌شود و در جرایم غیر عمدی نیز قابل طرح است. نظریه عدم شمول پیشگیری وضعی بر جرایم غیر عمدی و استدلال طرف‌داران آن مبنی بر اینکه در پیشگیری وضعی بزهکار یک فرد محاسبه‌گر فرض شده که با سنجش سود و زیان به سمت ارتکاب جرم می‌رود و پیشگیری وضعی سعی بر آن دارد تا با اعمال شگردهای فنی که بدون نیاز به حضور بزه‌دیده عمل می‌کنند محاسبه عقلانی مرتکب را به نفع عدم ارتکاب در هم بریزد و با سنگین نمودن کفه مضرات، وی را از رفتن به سمت

ارتکاب جرم باز دارد، تنها در مورد شیوه‌های ناظر به پارادایم بازدارنده صحیح می‌باشد؛ زیرا شیوه‌های این پارادایم با مصون و مقاوم‌سازی آماج و با انجام روش‌های فیزیکی و عینی، سعی دارد ترس از دستگیری و مجازات را در ذهن بزهکار بیشتر کند تا بزهکار در محاسبه عقلانی خود، مضار حاصل از جرم را نسبت به منافع آن بیشتر ببیند و از رفتن به سمت ارتکاب جرم باز داشته شود.

در مقابل، باید دانست که شیوه‌های پیشگیری وضعی صرفاً به پارادایم بازدارنده محدود نمی‌شود، بلکه در کنار این پارادایم می‌توان از پارادایم توجیه‌زدا و محرک‌زدا نیز یاد نمود. کما اینکه چنین پارادایم‌هایی در الگوی ارائه‌شده برای پیشگیری وضعی نیز کاملاً مشهود است. هدف پارادایم‌های مذکور بر خلاف شیوه‌های پارادایم بازدارنده، ایجاد ترس در ذهنیت بزهکار و به تبع آن سنگین نمودن کفه مضرات جرم در دیدگاه او نیست، بلکه هدف آن از بین بردن عوامل محرک‌زا و توجیه‌زا می‌باشد. مثال‌های ناظر به پیشگیری فنی را نیز می‌توان مصداقی از شیوه‌های پارادایم توجیه‌زدا دانست؛ برای مثال تابلوهای علایم رانندگی غالباً به این منظور در جاده‌ها نصب می‌گردند که در بسیاری از اوقات، رانندگان بعد از تحقق حوادث رانندگی رفتار خود را این گونه توجیه نمایند که جاده علایم کافی نداشته است. لذا نصب علایم رانندگی در جاده‌ها به منظور جلوگیری از تصادفات را می‌توان مصداقی از شیوه‌های پیشگیری وضعی مذکور در جدول ارائه‌شده کلارک دانست و پست راهنما را که از شیوه‌های پارادایم توجیه‌زداست نیز پیشگیری وضعی نامید (افراسیابی، ۱۳۸۹: ش ۱۷؛ همو، ۱۳۹۰: ش ۲۰؛ صفاری، ۱۳۸۰: ش ۳۳-۳۴؛ محمدنسل، ۱۳۸۶: ش ۵؛ همو، ۱۳۸۷).

مثالی که نویسندگان در ابتدای بحث مطرح کردند نیز بر همین منطق استوار است. اغلب در تصادفات رانندگی، عابران پیاده علت را این گونه توجیه می‌کنند که قصد عبور از خیابان را داشته‌اند و صرفاً شلوغ بودن خیابان، سبب چنین حادثه‌ای گردیده است. از سوی دیگر، راننده نیز چنین استدلال می‌نماید که او فقط با سرعت عادی در حال حرکت بوده که ناگهان عابر را وسط خیابان دیده و کنترل خود را از دست داده و چنین تصادفی رخ داده است. برای رفع چنین توجیهاتی پل‌های هوایی مخصوص عابران پیاده یا سایر علایم هشداردهنده یا پیشگیری‌کننده نصب می‌گردد. نصب

پل‌های هوایی و موانعی مانند آن مصداقی از راهکارهای کمک به مطاوعت است که از آن در زیرمجموعه پارادایم توجیه‌زدا بحث می‌شود.

برای نمایش تعداد موافقان و مخالفان اصل غیر قانونی بودن تجاوز از ضوابط سه‌گانه پیشگیری وضعی، از پرسش‌نامه‌هایی که به این منظور تهیه و توسط سه گروه شاخص به شرح مذکور در مقدمه تکمیل گردیده، استفاده شده و نتیجه به صورت جداول ذیل ارائه می‌شود:

جدول ۳ و ۴: موافقان و مخالفان شرط غیر قانونی بودن تجاوز

بزهکار		افراد عادی						کارشناس							
میان‌سال	جوان	مرد	بزه‌دیدگی	بزه‌دیدگی	میان‌سال	جوان	مرد	زن	بزه‌دیدگی	بزه‌دیدگی	بهر	میان‌سال	جوان	مرد	زن
مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف
۰	۱	۱۱	۱۴	۱۶	۴	۴۴	۱	۲۲	۵	۵۴	۱	۰	۲	۲	۵
موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق
۰	۱	۱۱	۱۴	۱۶	۴	۴۴	۱	۲۲	۵	۵۴	۱	۰	۲	۲	۵

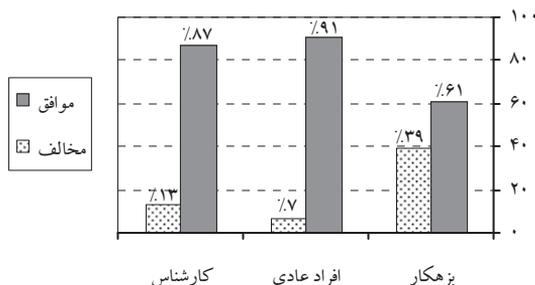
کارشناس						افراد عادی									
عدم اتخاذ تادابیر	اتخاذ تادابیر پیشگیرانه	واکنش منفی پلیس	واکنش مثبت پلیس	عدم مجازات	مجازات بزهکار	عدم دستگیری	دستگیری بزهکار	عدم اتخاذ تادابیر	اتخاذ تادابیر پیشگیرانه	واکنش منفی پلیس	واکنش مثبت پلیس	عدم مجازات	مجازات بزهکار	عدم دستگیری	دستگیری بزهکار
مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف
۱	۲۲	۰	۸	۱	۲۰	۰	۵	۱	۲۶	۰	۲۶	۰	۴	۱	۲۶
موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق
۱	۲۲	۰	۸	۱	۲۰	۰	۵	۱	۲۶	۰	۲۶	۰	۴	۱	۲۶

همان‌طور که در جداول ۳ و ۴ مشاهده می‌شود در هر سه دسته جمعیت شاخص، صرف‌نظر از ویژگی‌های شخصیتی - اجتماعی افراد، اکثریت آن‌ها با ضابطه غیر قانونی بودن تجاوز موافق هستند؛ چه معقول است که تنها در برابر تجاوز غیر قانونی می‌توان اقدامات دفاعی و پیشگیرانه - چه در قالب دفاع مشروع و یا پیشگیری وضعی - انجام داد.

برای آنکه اهمیت اصل غیر قانونی بودن تجاوز به عنوان یکی از ضوابط مهم و اولیه

پیشگیری وضعی، بیشتر آشکار گردد درصد کلی موافقان و مخالفان این شرط در مورد هر سه گروه کارشناسان، افراد عادی و بزهکاران در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است تا مقایسه درصد موافقان و مخالفان در هر سه دسته نیز آسان‌تر باشد:

نمودار شماره ۲: موافقان و مخالفان شرط غیر قانونی بودن تجاوز



این جدول نشان می‌دهد که ۸۷٪ از کارشناسان و ۹۱٪ از افراد عادی و ۶۱٪ از بزهکاران موافق اعمال این اصل یعنی غیر قانونی بودن خطر می‌باشند. تنها ۳۹٪ از بزهکاران و ۷٪ از افراد عادی و ۱۳٪ از کارشناسان با اعمال این ضابطه مخالفت کرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد غالب افراد شاخص با محدود کردن اقدامات پیشگیرانه وضعی به اقدامات غیر قانونی متجاوز موافق‌اند.

پس از تبیین ضوابط تجاوز برای به کارگیری اقدامات پیشگیری وضعی، لازم است به ضوابط به کارگیری خود تدابیر پیشگیرانه وضعی نیز پرداخت که موضوع قسمت بعد است.

### ب) ضوابط تدابیر پیشگیرنده وضعی

اصولاً برقراری نظم اجتماعی و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد ایجاب می‌کند که دفاع در مقابل تعرضات ناحق نیز محدود به کیفیات خاصی باشد؛ چه در غیر این صورت، استفاده از این قاعده مستمسکی برای وقوع تعرضات ناحق خواهد شد. این شرایط را قانون‌گذار در متون قانونی برای اعمال دفاع مشروع در قبال تعرض، با دقت در نظر گرفته ولی ضوابط دفاعی را که به عنوان پیشگیری وضعی صورت می‌گیرد بیان ننموده است و از این نظر خلأ قانونی وجود دارد.

## ۱. قانونی بودن

با توجه به بالا رفتن خطر وقوع بزه‌دیدگی علیه اموال و اشخاص، اجرای تدابیر مبتنی بر پیشگیری وضعی از جرم، اجتناب‌ناپذیر است و نه تنها توسط قدرت‌های سیاسی و دولت‌ها، بلکه از سوی شهروندان و شرکت‌های خصوصی نیز به طور چشمگیری استفاده می‌شود. بنابراین، بحث دربارهٔ استفاده یا عدم استفاده از تدابیر پیشگیری وضعی، فایدهٔ عملی در پی ندارد. موضوعی که شایستهٔ بررسی است اینکه چگونه می‌توان از انتقادات وارد بر پیشگیری وضعی که در بردارندهٔ آسیب غیر متعارف به بزه‌کار است، کاست؛ برای نمونه، از دوربین‌های مداربسته در معابر عمومی و فروشگاه‌ها به صورت فزاینده استفاده می‌شود. با وجود اینکه تعرض به حقوق و آزادی‌های افراد با کاربرد این ابزار بر کسی پوشیده نیست اما بر نحوهٔ نصب و استفاده از این ابزارها نظارت نمی‌شود. تا کنون مانعی نیز بر سر راه چنین کاربردهایی به وجود نیامده است. اما دربارهٔ تجهیزات پیشگیرانهٔ خطرناکی که ممکن است شهروندان عادی برای حفاظت از جان یا اموالشان استفاده کنند، وضع متفاوت است و به دلیل آسیب‌زا بودن باید بر آن‌ها نظارت شود. آیا ضروری نیست وقتی برای بسیاری از اقدامات شهروندان که ضرر بالقوه یا بالفعل چندانی برای دیگران ندارد قانون‌گذاری می‌شود، برای تدابیر مربوط به پیشگیری وضعی که می‌تواند خطراتی را برای دیگران اعم از متجاوز و غیر متجاوز به بار آورد، قانون‌گذاری نمود و از این طریق برای این گونه اقدامات شهروندان حد و مرزی را مشخص کرد؟ آیا فروشگاه‌ها و منازلی که از این تجهیزات استفاده می‌کنند، مکلف به نصب تابلوی «این مکان مجهز به دوربین مداربسته است» نیستند تا شهروندان با آگاهی از این موضوع، رفتارهای خود را تنظیم نمایند؟ بدون تردید، پاسخ به این سؤال‌ها و سؤالات مشابهی که می‌تواند در زمینهٔ پیشگیری وضعی مطرح شود، مثبت است؛ زیرا عموماً سیاست پیشگیری وضعی از جرم با آزادی‌ها و سایر حقوق شهروندان که در قالب حقوق بشر از آن یاد می‌شود در تعارض قرار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۷ و ۵۸۳).

پیشگیری وضعی از جرم، امری عقلی و لازمهٔ زندگی با کرامت در همهٔ جوامع دینی و غیر دینی است و عملی شدن آن نیز به برنامه‌نویسی دقیق و مبتنی بر شناخت صحیح

اجزای تشکیل دهنده آن نیازمند است.

از یک سو، پوشیده نیست که تحقق نسبی هدف پیشگیری وضعی از جرم، بدون برنامه‌ریزی صحیح کارشناسی شده و روشن کردن عناصر و شرایط آن میسر نیست. از سوی دیگر، هدف مهم سیاست جنایی کارآمد، از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم است. گسترش و توسعه اختیارات حاکمیت در مقابله با فرصت‌های بزهکارانه اگر فاقد ضابطه و حدود معینی باشد ممکن است مفسد بزرگی همچون به مخاطره افتادن حقوق و آزادی‌های فردی را در پی داشته باشد، اما امکان در پیش گرفتن راه حل‌های قانونی و مناسب در رفع موقعیت‌هایی که مقدمه ارتکاب جرم می‌باشد، وجود دارد و ضابطه‌مند شدن، مانع از سوءاستفاده است (میرخلیلی، ۱۳۸۳: ش ۶۱/۱).

در هر حال، اثر مهم این گونه قانون‌گذاری آن است که به سهولت می‌توان از وجود اختلافات ناظر به پرونده‌های منسوب به مصادیق پیشگیری وضعی - از جمله مثال تعبیه ابزارهای مهلک جهت پیشگیری - رهایی یافت و به رویه قضایی واحد در این زمینه نائل گشت. در قوانین اخیر که در حقوق ایران تصویب گردیده، درباره ابعادی از گونه‌های پیشگیری وضعی بحث شده است؛ اما هنوز هم درباره ضوابطی که در هنگام به‌کارگیری راهکارهای پیشگیری وضعی باید ملاحظه گردد، سکوت اختیار شده است؛ از جمله، در ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ به تشکیل و سازماندهی پلیس خصوصی که نوعی از پیشگیری وضعی محسوب می‌شود (برای آگاهی بیشتر از طرح پیشگیری در قوانین مختلف، ر.ک: صفاری، ۱۳۹۱: ۸۶-۱۰۲؛ نیازپور، ۱۳۸۲: ش ۱۲۴/۴۵-۱۵۹)، اشاره شده است، اما در باب ضوابطی که در هنگام به‌کارگیری این شیوه باید رعایت شود نه در این ماده و نه در آیین‌نامه ۳۹ ماده‌ای آن، سخنی به میان نیامده است، در حالی که رهایی یافتن از این اختلافات و نیل به رویه‌ای واحد در دادگاه‌ها، نیازمند وضع مقرراتی خاص با نگرشی همه‌جانبه در باب پیشگیری وضعی است، به گونه‌ای که در حد امکان، هیچ یک از ابعاد آن مبهم نماند.

## ۲. متعارف بودن

بی‌گمان، مهم‌ترین دلیل اجازه قانون‌گذار برای دفاع در برابر تجاوز ناحق و نامشروع،

ضرورت آن در اوضاع و احوالی است که مدافع، راه دیگری برای انتخاب ندارد و برای اینکه عکس‌العمل شخص مورد حمله، دفاع مشروع تلقی شود باید ارتکاب جرم یگانه وسیله‌رهایی او از مهلکه باشد و هر گاه مدافع بتواند به طریقی جز ارتکاب جرم، خطر را دفع کند ولی علیه متجاوز به جرم متوسل گردد، دفاع او مشروع نخواهد بود (اباذری فومشی، ۱۳۸۹: ۱۲)؛ برای مثال، اگر شخصی قوی که می‌تواند فردی ضعیف‌تر از خود را به آسانی مغلوب کند بی‌آنکه احتیاجی به قتل یا ضرب و جرح او باشد یا شخصی که می‌تواند به راحتی برای دفع خطر به قوای دولتی متمسک شود ولی به جای آن به مهاجم آسیبی برساند، ضرورت دفاع خدشه‌دار می‌گردد (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۶۶). در بند نخست ماده ۱۵۶ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به شرط «ضرورت دفاع برای دفع خطر و تجاوز» تصریح شده است. در کامن‌لا نیز استفاده از قدرت برای حفاظت از خود یا دیگری در برابر حمله غیر قانونی یا تجاوز باید ضرورت داشته باشد (Gardner & Anderson, 2009: 192). ضرورت به این معناست که خشونت کمتر برای دفاع از خود یا پیشگیری از جرم کافی نباشد (Heaton, 2004: 192).

به نظر می‌رسد این معیار با اندکی تغییرات، در باب پیشگیری وضعی نیز قابل اعمال باشد. در نگاه اول شاید در دیدگاه عامه مردم این گونه به نظر آید که اینان در به کار بردن ابزارهای پیشگیرانه در املاک خود، به طور کامل و بدون هیچ گونه محدودیتی مختار هستند؛ زیرا بر اساس قاعده مالکیت، خود را مالک عام و تام و در نتیجه آزاد برای انجام هر گونه تصرف در ملک خویش می‌دانند.

اگرچه مالکیت حقی مطلق است و هر مالکی می‌تواند طبق ماده ۳۰ قانون مدنی<sup>۱</sup> نسبت به ملک خود هر گونه تصرفی بنماید و هر انتفاعی از آن ببرد، چنین انتفاعی مادامی مجاز است که قانونی باشد و موجب متضرر شدن غیر نگردد. اطلاق مزبور را می‌توان به وسیله موادی چون ماده ۱۳۲ قانون مدنی<sup>۲</sup> و موادی از این قبیل نیز محدود دانست.

۱. ماده ۳۰: «هر مالکی نسبت به مایملک خود، حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد».

۲. ماده ۱۳۲: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

مواد مزبور در تعیین حدود تصرفات مالک در ملک خود، از فقه پیروی نموده‌اند. احکام مزبور در فقه نتیجه اعمال دو قاعده لاضرر و تسلیط می‌باشند (امامی، ۱۳۹۰: ۴۸). از یک سو قاعده تسلیط که ماده ۳۰ قانون مدنی از آن پیروی نموده، مبنی بر حدیث نبوی مشهور «الناس مسلطون علی أموالهم» می‌باشد؛ یعنی مردم هر گونه اختیاری را نسبت به اموال خود دارند. به وسیله این اختیار، مالک می‌تواند هر گونه تصرف و انتفاعی را که بخواهد از آن ببرد (نجفی کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۹۱/۱). از سوی دیگر، قاعده لاضرر مبنی بر قاعده عقلی و حدیث نبوی «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام» می‌باشد؛ یعنی اسلام زبانی به کسی وارد نمی‌آورد و نباید کسی به دیگری ضرری بزند.

برخی فقیهان این استدلال را که در مقام تعارض بین قاعده تسلیط و لاضرر، قاعده تسلیط حاکمیت دارد، صحیح نمی‌دانند (مظفر، ۱۳۹۰: ۱۴۰). به عبارت دیگر، در صورتی که تصرفات مالک مضر برای دیگری باشد، حاکمیت مطلق قاعده تسلیط از بین می‌رود و نمی‌توان به اطلاق آن مرتکب اعمالی شد که مضر به دیگران باشد؛ زیرا: اولاً: قاعده سلطنت، دلیل لفظی معتبری نیست که بتوان به اطلاق آن تمسک

جست. این قاعده از موارد مختلف برداشت شده و در این مورد بر اساس اجماع و سیره عمل می‌شود. بنابراین، باید به مقدار قابلیت این دلیل، خود را به آن ملتزم نمود و نه بیشتر از آن. لذا در این مورد که تصرف موجب اضرار به دیگری می‌شود نباید به اطلاق تمسک جست چون یک دلیل لَبّی<sup>۱</sup> است و اطلاق ندارد (صدر، ۱۴۲۰: ۳۸۳؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۴۸؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۹: ش ۱۵-۱۶/۱۲؛ حسینی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۳۶۳).

ثانیاً: اگر پذیرفته شود که حدیث یک دلیل معتبر است و فی نفسه اطلاق دارد، تمسک به اطلاق آن زمانی که تصرف موجب اضرار به دیگران می‌شود، جایز نیست (صدر، ۱۴۱۷: ۵۱۱).

بدین سان، بی‌شک دامنه قاعده تسلیط نامحدود نیست و مالک نمی‌تواند به استناد این قاعده در ملک خود هر نوع تصرفی انجام دهد، بلکه اعمال این گونه تصرفات باید

۱. ادله لَبّی، مقابل ادله لفظی است و مراد از آن، ادله‌ای است که از راه غیر لفظ، مکلف را به حکم شرعی می‌رساند، مانند اجماع، دلیل عقل، سیره و... دلیل لَبّی اطلاق و عموم ندارد و به قدر متیقن از مفاد آن اخذ می‌شود.

مبتنی بر ضوابطی باشد، به گونه‌ای که اگر قاعده‌لاضرر هم نباشد باز مالک حق ندارد در تصرفات خود موجبات اضرار به غیر را فراهم سازد، یعنی تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد و چنانچه مالک در ملک خود اقدام و تصرفی فراتر از این تصرفات عقلایی بکند، عقلاً بر آن صحه نمی‌گذارند و چنین تصرفی شرعاً اعتباری نخواهد داشت (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶: ۱۵۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۴۲).

بر همین اساس، مالک اجازه ندارد به منظور حفظ امنیت و مصون داشتن جان، مال و ناموس خویش در برابر متجاوزان از هر گونه تدابیر پیشگیرانه خارج از حدود سلطه عرفی و عقلایی، همانند تعبیه سیم‌های برق‌دار در اطراف ملک جهت پیشگیری از ارتکاب جرایم بزهکاران بالقوه استفاده نماید و باعث اضرار به دیگران ولو اشخاص متجاوز گردد. حفظ امنیت برای اشخاص و به ویژه بزه‌دیدگان بالقوه بسیار مهم است. در حفظ این امنیت باید مراتب اقدامات متعارف و عقلایی رعایت گردد و چنانچه مالک بر این موضوع واقف باشد که با روش‌های پیشگیرانه سهل و آسان همانند استفاده از سگ در منزل، استفاده از سیم‌های خاردار و یا تعبیه دوربین‌های مداربسته توانایی حفظ امنیت کامل خویش و جلوگیری از ادامه تجاوز بزهکاران را دارد، باید از چنین شیوه‌های پیشگیرانه کم‌خطر و در عین حال مؤثر استفاده نماید (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۳۴۶).

با وجود این، اگر تدابیر پیشگیرانه مهلک، به سبب گسترش ناامنی و بی‌تأثیر بودن اقدامات پیشگیرانه ساده و کم‌خطر در باز داشتن بزهکاران بالقوه، تنها چاره پیشگیری کامل و مطمئن شناخته شود، اتخاذ این نوع تدابیر مورد پذیرش عرف توسط مالک و اضرار به اشخاص متجاوز و البته با رعایت معیار دوم پیشگیری وضعی، یعنی ضرورت اطلاع‌رسانی، سبب مسئولیت وی نخواهد شد. نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۳۰۳۴ مورخ ۱۳۷۳/۷/۴ نیز به این امر اذعان دارد که اقدامات افراد برای جلوگیری از ورود سارقان باید به طریق متعارف صورت گیرد (شکری و سیروس، ۱۳۸۴: ۷۲۹).

در این راستا استفتا از آیه‌الله مکارم شیرازی نیز تأییدی بر صحت گفتار فوق است. استفتا بدین شرح است:

شخصی برای حفاظت از مزرعه خود در برابر حیوانات وحشی اقدام به تعبیه سیم‌های

خاردار متصل به شبکه برق در اطراف مزرعه خود نموده است. فردی از یک مزرعه دیگر برای رساندن آب به مزرعه خود ناچار به عبور از این مزرعه مجهز به سیم خاردار متصل به برق می‌شود و با عبور از آن مزرعه دچار برق‌گرفتگی می‌شود و می‌میرد. با توجه به اینکه صاحب مزرعه فوق که چنین سیستمی را برای حفاظت از ملک خود به کار برده به صاحبان مزارع اطراف وجود چنین سیستمی را هشدار داده است ولی به کار بردن چنین برق‌کشی خلاف عرف آنجاست، آیا مالک ضامن خون کشاورز متوفا می‌باشد؟

به سؤال فوق این گونه پاسخ داده شد:

در صورتی که اتصال سیم خاردار مزرعه به برق بر خلاف عرف محل و در مسیر عبور و مرور همسایگان بوده، صاحب مزرعه ضامن است (علیان‌نژادی، ۱۳۸۵: ۴۴۵).

همچنین، به موجب بند ۳ ماده ۱ قانون مسئولیت متصرفان مصوب ۱۹۸۴ در انگلستان، مالک در برابر افرادی که به ملک او وارد می‌شوند، اعم از مأذون یا متجاوز، مکلف به اعمال مراقبت منطقی است. بند ۴ همین ماده مقرر می‌دارد:

تکلیف مزبور به معنای اعمال مراقبت منطقی جهت حصول اطمینان از پیشگیری از ورود جراحت به افراد مزبور [بر اثر خطر موجود در ملک] در همه اوضاع و احوال قضیه است.

به طور کلی این شیوه در موارد وجود تقصیر به کار می‌رود. تقصیر در حقوق این کشور عبارت است از: «عدم انجام کاری که یک فرد معقول و متعارف در راستای انجام رفتار معمول انسانی در انجام امور انجام می‌دهد و یا انجام کاری که یک فرد معقول و متعارف آن را انجام نمی‌دهد». به عبارت دیگر، معیار عدم ارتکاب تقصیر توسط خواننده این است که از دید یک فرد معقول و متعارف فرضی، عمل خواننده در مجموع غیر عادی و عجیب نباشد. بنابراین، هنگامی که خواننده (مالک) منشأ خطر را ایجاد کرده باشد و نحوه استفاده او غیر منطقی باشد، مسئولیت دارد و اقدامات او جهت جلوگیری از تحقق مزاحمت توسط متجاوزان، تأثیری در مسئول شناختن یا نشناختن وی ندارد (برمینگهام، ۱۳۸۸: ۷۹ و ۱۶۴).

از سوی دیگر، حیات انسان «ارزشی مخدوم» است که دیگر حق‌های انسان خادم

آن است (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۰۵). به همین سبب می‌توان گفت که حق بر حریم خصوصی، از حقوق مطلق نیست و مسلماً اصولی همانند اصل منع ایراد صدمه به دیگران،<sup>۱</sup> اصل منع آسیب به جامعه<sup>۲</sup> می‌تواند محدودکننده حق بر خلوت و حریم خصوصی باشد (نوبهار، ۱۳۸۸: ۱۲۳؛ قربان‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۲۸).

در حقیقت، ارزش آزادی آدمی را نمی‌توان تا به آنجا توسعه داد که حیات دیگر آدمیان مورد تعرض قرار گیرد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۴۶). بی‌تردید، ارزش حیات بر ارزش آزادی و مالکیت تقدم دارد؛ زیرا به صورت بین و غیر قابل استدلال و شهوداً می‌توان ادعا کرد که حق‌ها همه در یک مرتبه از اهمیت قرار ندارند. پاره‌ای از حق‌ها بر پاره‌ای دیگر مقدم هستند. حق و یا ارزش حیات بر سایر حقوق تقدم رتبی دارد. این تقدم رتبی به گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد که تکلیف اخلاقی بر توجه به ارزش حیات دیگران را متوجه همگان می‌نماید. به این ترتیب، در صورتی که با بی‌توجهی افراد، حیات دیگران تهدید شود، نمی‌توان به سادگی مسئولیت اخلاقی آن‌ها را نادیده گرفت (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۱: ش ۱۸/۳۳).

بنابراین، با توجه به حاکمیت قاعده حرمت حیات بشری و قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط، با تمسک به این قاعده نمی‌توان هر اقدام خارج از حد متعارفی، ولو اقدامات حفاظتی را در ملک خود انجام داد. اعمالی نیز که برای حفاظت از املاک در برابر بزهکاران بالقوه تحت عنوان اعمال ابزارهای دفاعی یا پیشگیری وضعی صورت می‌گیرد، تابعی از این قاعده است و باید در حد متعارف و معقول باشد.

برخی نویسندگان در راستای اثبات اطلاق مالکیت و به تبع بی‌حد و حصر دانستن اعمال ابزارهای پیشگیرانه، به ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ استناد می‌نمایند (عطار، ۱۳۷۵: ۱۰۸). به عقیده این صاحب‌نظران به استناد ماده فوق، همان طور که صاحب یک ملک که چاهی در زمین خود حفر نموده و دیگری بدون اذن وارد شده و بر اثر سقوط در چاه فوت کرده، نسبت به شخص متوفای ضامن محسوب نمی‌شود، هر اقدام دیگری که مالک یک زمین در ملک خود انجام دهد، از جمله

1. The private harm principle.
2. The public harm principle.

اقداماتی که از آن تحت عنوان اعمال ابزارهای پیشگیرانه یا تله‌های انفجاری نام برده می‌شود، موجبی برای ضمان کیفری مالک نسبت به غیر مأذون نمی‌باشد. برخی فقها (حسینی روحانی، ۱۳۷۳: ۲۱۸) نیز اطلاق قاعده عدم ضمان مالک به سبب حفر چاه را که چهارچوب ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی سابق را تشکیل می‌داد، پذیرفته‌اند. در مقابل، عده‌ای از فقها (نجفی، بی‌تا: ۹۸) با اطلاق قاعده مذکور مخالفت ورزیده‌اند (صفاری و صابری، زمستان ۱۳۹۲).

با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ جایگزین مواد ۳۳۹ و ۳۴۰ قانون مجازات اسلامی سابق گردیدند. به موجب این مواد، اطلاق ماده ۳۳۹ سابق کنار گذاشته شده و محدودیت‌هایی برای عدم ضمان مالک نسبت به خسارات وارده به غیر مأذون در صورت حفر چاه و اقدامات مشابه در ملک مطرح گردیده است. به موجب ماده ۵۰۸ این قانون:

هر شخصی که یکی از کارهای ماده ۵۰۷ را در ملک خویش انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد ضامن نیست....

قاعده کلی ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی سابق در ماده ۵۰۸ قانون فعلی مقرر گردیده است، اما تبصره ۱ این ماده، اطلاق ماده ۵۰۸ (همان ماده ۳۳۹ قانون سابق) را با محدودیت همراه نموده است. در تبصره ۱ این ماده چنین مقرر شده است:

هر گاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغوا، سهل‌انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

بنابراین، در هر نوع اقدامات پیشگیرانه -چه در قالب دفاع مشروع و چه در قالب پیشگیری وضعی- اقدامات صورت گرفته باید در حد متعارف باشد. فقط باید دقت داشت در دفاع مشروع از آنجا که حمله قریب الوقوع است و خود مدافع به عنوان یک انسان عاقل و محاسبه‌گر در لحظه حمله حضور دارد، بر اساس شرایطی که در آن لحظه حاکم است، محاسبه می‌کند که آیا استفاده از روش‌های آسان برای حفظ امنیت وی از حیث ابعاد مختلف جان، مال و ناموس و به طور کلی رهایی از تجاوز امکان‌پذیر

است و یا باید به روش‌های خشونت‌بار متمسک شود. در مقابل، در حالت پیشگیری وضعی، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه قبل از هر گونه حملهٔ قریب‌الوقوعی صورت می‌پذیرد و در لحظهٔ حمله، شخص مدافع عاقل و محاسبه‌گر حضور ندارد که در برابر متجاوز قرار گیرد و بتواند با توجه به نوع و شدت حملهٔ متجاوز و قصد وی از نوع تجاوز، برخورد مناسب را محاسبه و اتخاذ نماید بلکه یک سری تدابیر پیشگیرانه و فنی است که از قبل اتخاذ شده است و در برابر متجاوز انسانی قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه معمولاً از لحاظ جنسی بانوان نسبت به آقایان و به لحاظ ردهٔ سنی خصوصاً افرادی که در سنین پیری و میان‌سالی قرار دارند نسبت به افراد جوان، خطر بیشتری را در جامعه حس کرده و به امنیت بیشتری احساس نیاز پیدا می‌کنند (هرچند که در واقعیت مردان و اشخاص جوان از زنان و سالخورده‌گان در معرض بزه‌دیدگی و سلب امنیت بیشتری قرار دارند) (صفاری، ۱۳۹۱: ۳۰۹-۳۰۴؛ صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۷/۱۷؛ قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱: ش ۱۸۱/۲) همواره به دنبال روش‌ها و ابزارهایی هستند که بتوانند در سایهٔ آن، حداکثر امنیت را برای خود تضمین کنند و احساس آرامش را جایگزین احساس ترس نمایند. هر چه میزان مقاومت اجتماعی این قبیل اشخاص بیشتر باشد، میزان احساس امنیت اجتماعی آنان بالاتر می‌رود (حسینی، ۱۳۸۶: ش ۱۳/۴؛ احمدی و سروش و افراسیابی، ۱۳۸۸: ش ۶۷/۲؛ پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ش ۱۶۶/۵). بنابراین، به نظر می‌رسد این دسته از افراد یعنی بانوان و پیران و میان‌سالان به سبب ناامنی بیشتری که احساس می‌نمایند عقلانیت خویش را کنار بگذارند و با به کارگیری هر سبب و وسیله ولو مهلک و خطرناک که بتواند حداکثر امنیت آنان را تضمین نماید، موافقت کنند، به ویژه اینکه قاعده‌ای همانند قاعدهٔ اطلاق مالکیت بتواند پشتوانهٔ آنان در استفاده از ابزارهای خطرناک و خسارات و صدمات ناشی از آن باشد، اما چنین نتیجه‌ای درست نیست و همان گونه که جداول شمارهٔ ۵ و ۶ نشان می‌دهد این گونه افراد نیز به عرفی بودن تصریح دارند.

همچنین در مورد اشخاصی که حداقل یک بار مورد بزه‌دیدگی واقع شده‌اند این نکته صادق به نظر می‌رسد که اینان ناامنی بیشتری در مقایسه با افرادی که تا به حال بزه‌دیده نشده‌اند احساس می‌کنند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ش ۱۳۷/۱۷)، با این

حال، اینان با ابزارهای پیشگیرانه‌ای که بیشتر امنیت آنان را تضمین نماید ولو اینکه مهلک باشد، در صورتی موافق هستند که مطابق با عرف باشد. همچنین تحقیقات میدانی از بزه‌دیدگانی که بزه‌کار دستگیر یا مجازات نشده است، نشان می‌دهد که این بزه‌دیدگان نیز با وجود حس ناامنی و انتقام‌جویی، همچنان بر این اعتقادند که اعمال ابزارهای پیشگیرانه در صورتی پذیرفتنی است که مطابق با عرف باشد. جداول شماره ۵ و ۶ نشانگر این واقعیت هستند.

جدول ۵ و ۶: ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه

بزه‌کار		افراد عادی						کارشناس							
میان‌سال	جوان	مرد	بزه‌دیدگی	میان‌سال	جوان	مرد	زن	عدم بزه‌دیدگی	بزه‌دیدگی	پسر	میان‌سال	جوان	مرد	زن	
مخالف	موافق	موافق	مخالف	مخالف	موافق	موافق	مخالف	مخالف	موافق	موافق	مخالف	مخالف	موافق	موافق	
۰	۱	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۴	۳	۱۱	۴	۷	۷	۴	
کارشناس								افراد عادی							
عدم اتخاذ تدابیر		اتخاذ تدابیر پیشگیرانه		واکنش منفی پلیس		واکنش مثبت پلیس		عدم مجازات		مجازات بزه‌کار		عدم دستگیری		دستگیری بزه‌کار	
مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق
۱۰	۱۳	۲	۶	۸	۱۳	۱	۴	۱۰	۱۷	۱	۳	۱۰	۱۷	۱	۵
کارشناس								افراد عادی							
عدم اتخاذ تدابیر		اتخاذ تدابیر پیشگیرانه		واکنش منفی پلیس		واکنش مثبت پلیس		عدم مجازات		مجازات بزه‌کار		عدم دستگیری		دستگیری بزه‌کار	
مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق
۱۰	۱۳	۲	۶	۸	۱۳	۱	۴	۱۰	۱۷	۱	۳	۱۰	۱۷	۱	۵

نکته مهمی که باید بدان توجه داشت این است که حتی دلیل افرادی هم که مخالف قاعده ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه هستند، مخالفت با این ضرورت و محدود نمودن حق مالکیت آنان نبوده است.

دلیل مخالفت اکثر کارشناسان و افراد عادی با قاعده ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه مهلک دو چیز است: مغایر بودن با الزامات حقوق بشر در استفاده از چنین ابزارهایی؛ مهم‌تر بودن حفظ جان از حفظ مال. در پاسخ به این دو دلیل باید

متذکر شد که با رعایت اصل هشداررسانی، به نظر می‌رسد الزامات حقوق بشری و هم حرمت حیات انسانی با رعایت این اصل حفظ گردد.

عده‌ای نیز دلیل مخالفت خود را چنین دانسته‌اند که باید تا حد امکان از روش‌های پیشگیرانه کم‌خطر استفاده نمود. ضابطه ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه مهلک خود بیانگر این مسئله است که تنها در صورتی مجوز اعمال چنین ابزارهایی داده می‌شود که عرف این امر را متعارف بداند و عرف جامعه زمانی چنین دیدگاهی می‌یابد که اطمینان پیدا کند به طریق سهل دیگری پیشگیری وضعی از جرم میسر نیست.

در میان مخالفان یک نفر بر این عقیده بود که برای ریشه‌کن کردن جرایم باید به گونه‌ای دیگر اقدام نمود. اگر نیازهای اولیه اشخاص بزهکار از جمله متجاوزان به املاک و سارقان برطرف شود مسلماً آن‌ها دیگر به ارتکاب جرایم گرایش پیدا نمی‌کنند. از دید وی این گونه اقدامات پیشگیری وضعی، هیچ کاهش عمده‌ای را در وقوع جرم موجب نمی‌شود. دلیل مذکور از دلایل مخالفتی است که به طور کلی از سوی مخالفان پیشگیری وضعی نیز مطرح شده است. آنان بر این باورند که رویکرد پیشگیری وضعی، زمینه‌های انسانی و اجتماعی مرتکب را کلاً نادیده گرفته است و لذا باید از پیشگیری‌های سنتی یعنی پیشگیری اولیه و ثانویه یا پیشگیری اجتماعی که در واقع، پیشگیری‌های بزهکارمحور به شمار می‌روند، استفاده کرد. در نقد این دلیل باید اظهار نمود که پیشگیری وضعی، خصوصیات انسانی و اجتماعی بزهکار را نادیده نمی‌گیرد بلکه همان‌طور که طرف‌داران نظریه پیشگیری وضعی متذکر شده‌اند، خصوصیات شخصی مرتکبان، در آماده‌سازی آن‌ها برای ورود به کانون مجرمان و انتخاب نوع جرم مؤثر است نه در انتخاب شیوه، نحوه یا زمان ارتکاب خود جرم. به زبان دیگر، عواملی از قبیل شخصیت و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی یا فشارهای سیاسی و غیره از عوامل معده و بعیده هستند در حالی که مسئله انتخاب یک هدف مجرمانه خاص و محاسبه سود و زیان و نحوه شکار هدف تعیین شده، در مرحله نزدیک‌تری به زمان و مکان وقوع جرم قرار دارد (صفاری، ۱۳۸۰: ش ۳۳-۳۴/۳۰۷).

از سوی دیگر، طرح و اجرای یک سیاست جنایی واقع‌بینانه که جامع همه ضوابط

لازم برای مبارزه با پدیده جرم باشد و از موانع مبهم در این راه جلوگیری کند، زمانی میسر است که منظر پیشگیری وضعی از جرم در کنار سایر دیدگاه‌های موجود از جرم و پیشگیری قرار گیرد و این دو، نقاط کور یکدیگر را روشن نمایند تا به تکمیل روش‌های مبارزه با جرم پردازند. در حقیقت، پیشگیری واقعی از جرم در چهارچوب یک سیاست جنایی راهبردی<sup>۱</sup>، زمانی مصداق خواهد یافت که راهبرد مربوط از یک سو به کاهش هر چه بیشتر فرصت‌های مجرمانه پردازد و از دیگر سو و به طور هم‌زمان، شرایط فردی و اجتماعی زندگی را در همه ابعاد اقتصادی فرهنگی، سیاسی و امثال آن‌ها به گونه‌ای بهبود بخشد که زمینه ارتکاب جرم و گرایش به آن را از میان بردارد (همان: ش ۳۳-۳۴/۳۱۳-۳۱۴).

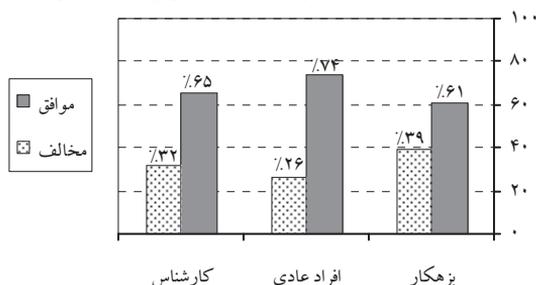
دلیل دیگر مخالفت با ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه، این گونه ابراز شده که ممکن است از همین ابزار بر علیه خود صاحب مال نیز استفاده شود؛ یعنی اگر چنین شیوه‌ای عرف گردد، برای جانی نیز قابل استفاده می‌شود. تراسلر نیز چنین ایرادی را بر رویکرد پیشگیری وضعی وارد می‌داند (Trasler, 1986: 17-24). در رد دلیل مذکور باید گفت که طرح شیوه‌های جدید پیشگیری می‌تواند در توسعه شگردهای ارتکاب جرم، تأثیر عمیقی داشته باشد اما باید خاطرنشان کرد که پیشرفت فناوری و خلق اسباب و لوازم پیچیده برای زندگانی سیاسی و اجتماعی افراد در اغلب موارد، دارای چنین تأثیر متباین و دوسویه‌ای است و به اصطلاح، حالت پارادوکس دارد. امثال چنین مواردی در زندگی امروز کم نیست، مانند تأثیر اختراعات جدید در قرن بیستم بر آلودگی هوا و محیط زیست که زندگی همه جوامع را به طور جدی تهدید می‌کند و باعث به وجود آمدن حقوق محیط زیست شده است. در عین حال، کسی منکر لازم و مفید بودن آن‌ها نیست بلکه به جای حذف آن‌ها پیشنهاد ترمیم و بهبود آن‌ها مطرح می‌شود (صفاری، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۶۲).

همان طور که در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود از ۳۲٪ و ۲۶٪ مخالف، به ترتیب از میان کارشناسان و افراد عادی، تنها یک نفر دلیل مخالفت خود را محدودیت

۱. منظور سیاست جنایی کلان و درازمدت است.

قائل نشدن برای اطلاق مالکیت ابراز نموده و اظهار داشته است که چنانچه مالک اجازه استفاده از این نوع ابزارهای پیشگیرانه مهلک را نداشته باشد باعث آسودگی خاطر دزدان، معتادان و اراذل و اوپاش می‌شود. در مطالب فوق به این استدلال پاسخ داده شد.

نمودار شماره ۳: موافقان و مخالفان شرط ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه



درصد مخالفان اشخاص بزهکار با ضابطه ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه، همان طور که از نمودار شماره ۳ برداشت می‌شود حدود ۳۹٪ می‌باشد. هرچند این تعداد نسبت به موافقان (حدود ۶۱٪) کمتر است، شایان درنگ است. به نظر می‌رسد علت مخالفت اکثر آنان به سبب به کار رفتن واژه «مهلک» در رابطه با قاعده ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه مهلک باشد؛ زیرا در هر حال با موافقت نمودن با این شرط، در حقیقت با انجام تدابیری برای به هلاکت رساندن خویش موافقت می‌نمودند و همین امر باعث شده که بزهکاران در پاسخ‌دهی، به ملاک ضرورت عرفی توجهی نداشته باشند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد علت مخالفت آنان، با اصل ضرورت اجازه عرف در استفاده از ابزارهای پیشگیرانه مهلک نیست، بلکه این درصد از مخالفان با استفاده از چنین ابزارهای خطرناک و مهلک - صرف نظر از اجازه یا عدم اجازه عرف - مخالفت نمودند؛ چه در صورت موافقت آنان و تصدیق عرف، هر لحظه ممکن است گرفتار چنین دام‌های مهلکی گردند.

### ۳. قابل رؤیت بودن یا اطلاع‌رسانی

تأثیر اقدامات پیشگیری وضعی بر کاهش یا حتی متوقف نمودن ارتکاب جرم به سبب

رابطه‌ای است که بین پیشگیری وضعی و نظریه انتخاب عقلانی وجود دارد؛ زیرا همه بزهکاران، زمانی که می‌خواهند مرتکب عمل مجرمانه شوند و در برابر یک «وضعیت پیشگیری» تصمیم می‌گیرند که طرح مجرمانه خود را ادامه بدهند، در واقع، دست به یک انتخاب عقلانی هرچند محدود زده‌اند (گسن، ۱۳۷۶: ش ۱۹-۲۰/۶۱۸).

با اینکه در اقدامات ناظر به پیشگیری وضعی سعی می‌شود خطر ارتکاب جرم از دید بزهکار احتمالی بالا رود تا با محاسبه‌ای عقلانی از ارتکاب جرم منصرف شود، باید بزهکار احتمالی از وجود این گونه تدابیر پیشگیرانه آگاهی یابد؛ چه در غیر این صورت، فایده و علت اصلی پیشگیری وضعی زیر سؤال می‌رود؛ زیرا هدف اصلی پیشگیری وضعی مطلع شدن بزهکار احتمالی از وجود این تدابیر و تجهیزات است تا در طی محاسبه عقلانی که انجام می‌دهد خطر ارتکاب جرم را بیشتر درک کند و در مسیر ارتکاب جرم حرکت نکند. انجام اقدامات پیشگیرانه‌ای که با چشم عادی قابل مشاهده نیست (مثل تعبیه کابل برق زیر شاخه‌های درخت و...) و مالک نیز اطلاع‌رسانی نکرده است، سبب می‌شود بزهکار در محاسبه عقلانی خود سود حاصل از ارتکاب جرم را نسبت به خطر آن فراوان تلقی کند و به تصمیم خود در ارتکاب جرم جامه عمل بپوشاند، در حالی که هدف پیشگیری وضعی صرفاً باز داشتن بزهکار بالقوه از ادامه مسیر ارتکاب جرم است و برای رسیدن به این مهم باید تجهیزات حفاظتی به گونه‌ای اتخاذ گردد که بزهکاران احتمالی از وجود آن‌ها اطلاع یابند.

در رابطه با اصل ضرورت اطلاع‌رسانی، نخست باید دید که چه عاملی باعث مطرح شدن این شرط در فرایند پیشگیری وضعی می‌شود. سپس باید کیفیات لازم و کافی برای یک اطلاع‌رسانی مفید و مؤثر بررسی شود. بررسی این موضوع جستاری دیگر را می‌طلبد.

### نتیجه‌گیری

تضمین حقوق شهروندان و اجرای عدالت کیفری، یکی از وظایف اساسی حکومت است که اجرای آن نیازمند زمینه‌های مناسب است. یکی از این زمینه‌ها ایجاد مقررات لازم در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در جهت پیشگیری از جرم است که

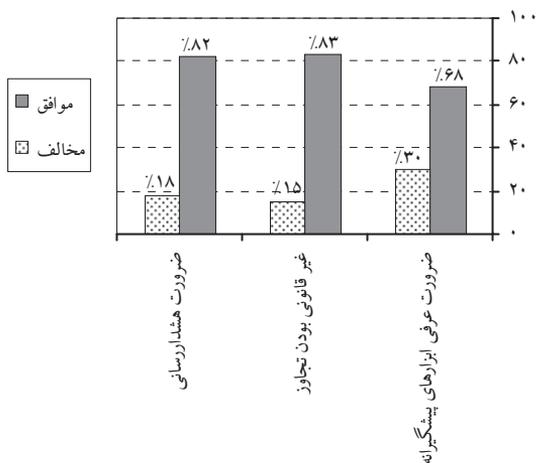
اگرچه رسماً و قانوناً بر عهدهٔ قوهٔ قضائیه نهاده شده است، سایر قوای حاکمیت خصوصاً قوهٔ مجریه و نیز مردم باید در این امر ایفای نقش نمایند. به همین دلیل، در مقاله حاضر سعی شد تا با طرح نظریات مربوط به دفاع مشروع که نوعی کنش هم‌زمان با جرم و پیشگیری از خشونت و نتایج زیان‌بار یک حملهٔ غیر عادلانه است، ضوابط و مبانی پیشگیری وضعی از جرم تبیین گردد و ضرورت قانون‌گذاری دربارهٔ آن بررسی شود.

نظریهٔ تفکیک مصادیق دفاع مشروع از پیشگیری وضعی، مسیر خود را از نظریات سنتی برخی قاضیان و نویسندگان حقوقی جدا ساخته است. در نظریات سنتی با استناد به قواعد دفاع مشروع یا اطلاق مالکیت، نوعی بی‌عدالتی در سیستم کیفری مشهود خواهد بود در حالی که در نظریهٔ تفکیک با عنایت به دیدگاه‌های جرم‌شناختی دربارهٔ پیشگیری وضعی و لزوم تحدید قلمرو آن زمینه‌های تحقق عدالت کیفری بیشتر فراهم می‌شود.

ضوابط دفاع در دفاع مشروع و پیشگیری وضعی از یکدیگر متمایز است. در دفاع مشروع در کنار شرط ضرورت از شرط تناسب دفاع نام برده می‌شود، در حالی که در پیشگیری وضعی در کنار اصل ضرورت عرفی اعمال ابزارهای پیشگیرانه، ضرورت اطلاع‌رسانی به افراد - متجاوز احتمالی یا غیر متجاوز - لحاظ شده است.

با وجود این، ارتباط بین ضوابط دفاع مشروع و پیشگیری وضعی قابل بحث است. غیر قانونی بودن تجاوز از جمله شرایطی است که برای دفاع مشروع لحاظ گردیده است. اما این ملاک البته نه با مبنای قانونی، بلکه با مبنایی مستنبط از برخی اصول و قواعد فقهی، از جمله «قاعدهٔ تحذیر» در باب پیشگیری وضعی نیز استعمال می‌گردد. همچنین در دفاع مشروع، مهم‌ترین دلیل اجازهٔ قانون‌گذار برای دفاع در برابر تجاوز ناحق و نامشروع، ضرورت آن در اوضاع و احوالی است که مدافع راه دیگری برای انتخاب ندارد و برای اینکه عکس‌العمل شخص مورد حمله، دفاع مشروع تلقی شود باید ارتکاب جرم، یگانه وسیلهٔ رهایی او از مهلکه باشد. با نگاهی ژرف به برخی قواعد فقهی و همچنین با تدبیر در مبانی حقوق بشری، روشن می‌شود که رعایت ضابطهٔ فوق به عنوان یکی از ضوابط دفاعی پیشگیری وضعی، ضروری و مسلم است.

نمودار شماره ۴: موافقان و مخالفان شروط پیشگیری وضعی



بر اساس نمودار فوق، درصد بسیار زیادی موافقت خویش را با قواعد مقرر پیشگیری وضعی ابراز داشته‌اند که این مسئله، دال بر معقول و منطقی بودن ضوابط استنباطی است.

## کتاب‌شناسی

۱. اباذری فومشی، منصور، دفاع مشروع در دیوان عالی کشور، تهران، خط سوم، ۱۳۸۹ ش.
۲. احمدی، حبیب و مریم سروش و حسین افراسیابی، «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ ش.
۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ویراست دوم، چاپ سی‌ام، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۴. افراسیابی، علی، «از طبقه‌بندی بزه‌کاران تا طبقه‌بندی تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۵. همو، «پارادایم‌های حاکم بر پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۶. امامی، حسن، حقوق مدنی، چاپ سی و یکم، تبریز، فروزش، ۱۳۹۰ ش.
۷. بابایی، محمدعلی و علی نجیبیان، «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۸. باقری، عباس، دفاع مشروع، رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ ش.
۹. باهری، محمد و میرزا علی اکبرخان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، مجد، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. برمینگهام، ورا، شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان، ترجمه سیدمهدی موسوی، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. پاک‌نهاد، امیر، «احساس ناامنی و ترس از جرم»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۲. حاجی ده‌آبادی، احمد، «فقه و قانون‌نگاری»، فصلنامه قیسات، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۷۹ ش.
۱۳. حجتی، مهدی و مجتبی باری، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، میثاق عدالت، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. حسینی، حسین، «احساس امنیت: تأملی نظری بر پایه یافته‌های پژوهشی»، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۱۵. حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، فقه الصادق علیه السلام، دار المحکمه، ۱۳۷۳ ق.
۱۶. حسینی شاهرودی، سیدمحمد، استفتائات حضرت آیه‌الله العظمی حاج سیدمحمد حسینی شاهرودی، چاپ دوم، قم، آل مرتضی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. راسخ، محمد، «نظریه حق»، حقوق بشر در جهان معاصر (دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی)، تألیف کمیسیون حقوق بشر اسلامی، قم، آیین احمد علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. سیدزاده ثانی، سیدمهدی، «ترس از بزه‌دیدگی مکرر»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی)، به کوشش گروهی از اساتید، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. شکر، رضا و قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، تهران، مهاجر، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی، «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲ ش.

۲۲. صدر، سیدمحمدباقر، *القواعد الفقهیه (بحوث فی علم الاصول)*، چاپ پنجم، قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. همو، *قاعده لا ضرر ولا ضرار*، قم، دار الصادقین للطباعة و النشر، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. صدیق سروستانی، رحمت‌الله و آرش نصر اصفهانی، «مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری: مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۲۵. صفاری، علی، «حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ ش.
۲۶. همو، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره‌های ۳۳-۳۴، بهار تا زمستان ۱۳۸۰ ش.
۲۷. همو، *مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی*، تألیف و ترجمه علی صفاری، تهران، جنگل، ۱۳۹۱ ش.
۲۸. صفاری، علی و راضیه صابری، «نقد عدم تحدید حق پیشگیری وضعی در پرتو قواعد فقهی و حقوقی»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲۹. همان‌ها، «همگرایی دفاع مشروع و پیشگیری وضعی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۳۰. عطار، داوود، *دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام*، ترجمه اکبر غفوری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. علیان‌نژادی، ابوالقاسم، *استفتائات جدید آیه‌الله مکارم شیرازی*، چاپ دوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
۳۲. قاری سیدفاطمی، محمد، *حقوق بشر در جهان معاصر*، «دفتر یکم: درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع»، چاپ دوم، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۸ ش.
۳۳. همو، «قلمرو حقاها در حقوق بشر معاصر: جهان‌شمولی در قبال مطلق‌گرایی»، *مجله نامه مفید*، شماره ۳۳، بهمن ۱۳۸۱ ش.
۳۴. قاضی‌نژاد، مریم و فرشته شاکری، «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در میان زنان شهر تهران»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۳۵. قربان‌نیا، ناصر، «محدودیت آزادی‌ها»، *حقوق بشر در جهان معاصر (دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی)*، تألیف کمیسیون حقوق بشر اسلامی، قم، آیین احمد علیه‌السلام، ۱۳۸۸ ش.
۳۶. کوسون، موریس، *اصول جرم‌شناسی*، ترجمه میر روح‌الله صدیق، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. گسن، ریمون، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۱۹-۲۰، بهار تا پاییز ۱۳۷۶ ش.
۳۸. گلدوزیان، ایرج، «دفاع مشروع و اعمال در حکم دفاع مشروع»، *مجله کانون وکلا*، شماره‌های ۱۵۰-۱۵۱، بهار و تابستان ۱۳۶۹ ش.
۳۹. محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
۴۰. محقق داماد یزدی، سیدمصطفی، *قواعد فقه*، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴۱. محمدنسل، غلامرضا، «پلیس و سیاست پیشگیری از جرم»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم*، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، اسفند ۱۳۸۷ ش.

۴۲. همو، «پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۴۳. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ترجمه محسن غرویان، چاپ دهم، تبریز، فروزش، ۱۳۹۰ ش.
۴۴. مغنیه، محمدجواد، فقه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم، انصاریان، ۱۴۲۱ ق.
۴۵. موسوی بجنوردی، سیدحسین بن آقابزرگ، القواعد الفقهیه، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۴۶. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، مجمع المسائل، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۶۴ ش.
۴۷. میرخلیلی، محمود، «پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، نشریه فقه و حقوق، شماره ۱، ۱۳۸۳ ش.
۴۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی دوره کارشناسی ارشد، تنظیم مهدی صبوری‌پور، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۴-۱۳۸۳، قابل دسترس در وبگاه <www.lawtest.ir>.
۴۹. همو، «پیشگیری عادلانه از جرم»، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سمت، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۵۰. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۱. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریر المعجله، نجف، المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۹ ق.
۵۲. نوبهار، رحیم، «آموزه‌های اسلامی: حوزه عمومی - حوزه خصوصی»، حقوق بشر در جهان معاصر (دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق دانان و فقهای ایرانی)، تألیف کمیسیون حقوق بشر اسلامی، قم، آیین احمد رحمته علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۵۳. نوبهار، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷ ش.
۵۴. نیازپور، امیرحسین، «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۲ ش.
۵۵. واعظی، خلیل، دفاع مشروع در حقوق جزای ایران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۵۶. ولیدی، محمدصالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱، ۲، ۳)، تهران، جنگل، ۱۳۸۸ ش.
57. Barkerand, David & Colin Padfield, *Law Made Simple*, 10<sup>th</sup> Edition, Oxford Publishing, 2010.
58. Beck, Ulrich, *Journal Compilation*, Vol. 16, No. 1, 2009.
59. Elliott, Catherine & Frances Quinn, *Criminal Law*, 3<sup>rd</sup> Edition, Longman Publishing, 2000.
60. Hall, Daniel E. & J. D., Ed. D., *Criminal Law and Procedure*, 5<sup>th</sup> Edition, Delmar Publishing, 2009.
61. Heaton, Russell, *Criminal Law*, 4<sup>th</sup> Edition, Oxford Publishing, 2004.
62. Gardner, Thomas J. & Terry M. Anderson, *Criminal Law*, 10<sup>th</sup> Edition, Thomson Publishing, 2009.
63. Perkins, Rollin M., *Criminal Law and Procedure*, 4<sup>th</sup> Edition, The Foundation Press, New York, 1972.
64. Trasler, Gordon, "Situational Crime Control and Rational Choice: A Critique", in: Kevin Heal & Gloria Laycock (Eds.), *Situational Crime Prevention: From Theory into Practice*, London, HMSO, 1986.

